



کتابخانه



سلام

ولادت با سعادت حضرت زینب (س) مبارک باد





زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم و هفتم — ۱ دی ماه ۱۳۹۹

آیة ۵۷:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را تکذیب می کنید؟*

مقدمه اول:



در «قرآن کریم»،

و در هیچ یک از «کتاب‌های آسمانی»،

و در هیچ «کتابِ تاریخی و روایی»،

از «**آلاءِ الهی**»،

هیچ نامی برده نشده است،

مقدمه دوم:



در طول تاریخ و در تمام جهان،
توسطِ انبیاء و اولیاء صلوات الله علیهم و کتب آسمانی،

حتی «یک نفر» به عنوان:

«**تکذیب**» کننده «**آلاءِ الهی**»

معرفی نشده است،

پیش مهم:



پس چرا این سوره،

با « ۳۱ بار » تکرارِ این « پرسش »،

(تمام) « جن و انس » را

به « تکذیب »، « متهم » می کند؟

تنها « پاسخ احتمالی » اینست که:

« **تکذیب کنندگانِ آلاء الهی** »،

همان افرادِ « جن و انس » هستند که

هر « **حقیقتی** » را « **تکذیب** » می کنند.

و آنها عبارتند از:

تمام « **تکذیب کنندگانِ دین** و **ظهور** و **قیامت** »،

و تمام « **تکذیب کنندگانِ قرآن** و **آیاتِ الهی** »،

و تمام « **تکذیب کنندگانِ انبیاء** و **أولیاء الهی** »،

و تمام « **کافران** و **منافقان** و **ظالمان** و **فاسقان** »،

و تمام آنها که « **اهدافِ شیطانی** » را دنبال می کنند:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ ... (ماعون/٢)

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ... (جمعه/٥)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلقاءِ اللَّهِ ... (أنعام/٣١)

وَإِنْ يُكَذِّبُوكِ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ ... (حج/٤٢)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ... (فرقان/١١)

« سرانجام مَکذِبِینِ » کجاست؟

۱- طـور : ۱۱ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

- ۲- مرسلات: ۱۵ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۳- مرسلات: ۱۹ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۴- مرسلات: ۲۴ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۵- مرسلات: ۲۸ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۶- مرسلات: ۳۴ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۷- مرسلات: ۴۰ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۸- مرسلات: ۴۷ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۹- مرسلات: ۴۵ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
- ۱۰- مرسلات: ۴۹ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

۱۲- مطففين : ۱۰ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب می کردید.

« فرجامِ مکذِّبین » در سوره الرحمن:

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

يُكَذَّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (الرحمن/٤٣)

این، همان جهنمی است که

« تبہکاران » آن را دروغ می‌شمارند.

آیة ۵۸:



فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (۵۶)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۷)

گویی که آن (قاصرات الطرف)، یاقوت و مرجان‌اند.
پس آنان علاوه بر «عفت»، سرشار از «زیبائی» اند.

یاقوت: نمادِ « شفافیت و ارزشمندی » است.

مَرُجان: نمادِ « سفیدی » است.

و این دو یعنی: « **نهایتِ پاکی** »

و « **لذتِ بخش** » بودن دیدنِ آنان.

آیہ ۵۹:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را تکذیب می کنید؟*



پرسش مهم:

آیا جن و انس «تکذیب کنند»
«بیکار» هستند؟

جن و انسِ « **تکذیب کننده** » **حقایق**،

قطعاً لحظه‌ای « **بی کار** » نمی‌مانند، بلکه

به انواعِ « **شرارت و رذالت و شیطنیت** »

می‌پردازند:

« اولین کارِ مَکذِبِینِ » چیست؟

طبق بیان سورة « **ناس** »،

برخی از « **جِن** و **انس** »،

به خاطر « **خودپرستی** و **شیطنیت** » خود،

تمام مردم را دائما « **وسوسه** » می کنند:

... الَّذِي يُوسُّوسُ

فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)

... * آنکه در سینه مردم وسوسه می کند *

* از جن و انس *

که هدفِ «**وسوسه**» آنها
نشرِ «**فرهنگِ برهنگی**» است:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا

وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

(أعراف/۲۰)

پس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه از عورتشان پنهان بود برایشان نمایان کند
و گفت^{۳۳} خدایتان شما را از این درخت منع کرد تا ملائکه نشوید یا از جاودانان شوید.

« دومین کارِ مگذّیین » چیست؟

« **جِن و اِنْس** » مَكْذِبِ « **حَقّ** »،

توسطِ « **کارگزارانِ** دست‌آموزِ » خود،

« **مؤمنین** » را به « **مجادله** » می‌کشانند

تا بتوانند (توجه آنها را از تعالیم الهی و اسلامی، منحرف و)

(خانواده و زندگی) آنها را « **متزلزل** » کنند:

وَأِنْ الشَّيَاطِينَ

وَأَلْفَاظُهُ لَا تَعْنِي إِلَّا الْفَسَقَ

لَيُؤْخَذُونَ إِلَىٰ أُولِيَاءِهِمْ

لِيُجَادِلُوهُمْ (أنعام/ ۱۲۱)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده مخورید که « فسق » است و شیاطین به عواملشان تلقین می کنند
تا با شما (در هر زمینه‌ای) « ستیزه » کنند ...

« هدف از این مجادله » چیست؟

« **عوامل** دست‌آموزِ « شیطان‌صفتان،

با « نفوذ » در « مراکز آموزشی و رسانه‌ها »،

به شیوه‌های گوناگون تلاش می‌کنند در هر زمینه‌ای مثل:

کودک، جوان، خانواده، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ...

« **أهل ایمان** » را از « **عقل** و **وحي** »، « **غافل** » کنند،

و به « **تبعیت** » از « **خطوات** فساد‌آنگیز » خود بکشانند:

وَأِنْ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ
وَأَقْوَمُ بِالْإِتِّفَاقِ وَلَهُمْ عِلْمٌ بِمَا يُفْعَلُونَ

وَأِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ

إِنْكُمْ لَمُشْرِكُونَ (أنعام/ ۱۲۱)

_____ که اگر (توصیه‌ی) آنها را « اطاعت » کنید، قطعاً شما هم « مشرک » هستید.

باید « **مباحثات** » مطرح شده در:

مجلس، روزنامه‌ها، مجلات، رسانه ملی، همایش‌ها ...

طی این « **چهل و یک سال** » را مرور کنیم تا

معلوم شود که « **شیاطین** » برای دور کردن مردم از

« **قرآن و اسلام و انقلاب** » چقدر تلاش کرده‌اند.

آیة ٦٠:



هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ

إِلَّا الْإِحْسَانُ (٦٠)

آیا پاداش احسان جز احسان است؟

برداشت عموم از این آیه اینست که:

« **کارِ خوب** » کن تا « **خوبی بینی** »

تا خداوند، عوض و پاداش آن را به تو بدهد.

اما ظاهراً « **پیام** » مهمتری در آن است.

به نظر می‌رسد این آیه می‌فرماید:

« **جزایِ احسان** »،

« **خودِ احسان** » است نه چیز دیگر.

« چیز دیگر »، نمی‌تواند پاداشِ آن باشد.

یعنی:

خودِ آن « **إِحسان** » کردن،

« **پاداشِ آن** » است.

پس آیه از « معادل یا معامله » حرف نمی‌زند.

اگر انسان « **کاری** » را

به خاطرِ « **پاداش** » (نسیه) انجام دهد،

در واقع خودش را « **دو تگه** » می‌کند،

و از « **یگانگی** » خود خارج می‌شود.

« پیام » آیه اینست که:

همان « کارِ زیبا »،

« روزنه‌ای » به « بهشت »

و « تجلّی أسماء الحُسْنای » الهی است.

پس « **خودِ نماز** و **دعا** »، « **پاداش** » است.

خودِ « **الله اکبر** » گفتن، « **پاداش** » است ...

زیرا هر « **ذکر** و **عبادت** و هر کارِ **زیبائی** »،

انسان را فوراً به « **أحس الحال** » می‌رساند.

و « **سريع الحساب** » بودن خدا یعنی: پاداشِ نقد.

حضرت سجاد صلوات الله علیه در مناجات «الذاکرین» می فرمایند:

وَمِنْ أَكْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا
جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَسْنَتِنَا

و از بزرگترین نعمتهای تو بر ما جریانِ یادِ تو بر زبانِ ماست.

پس مؤمنِ «**با حال**»،

دنبالِ «**نسیه**» نیست.

او می‌فهمد که معنایِ باطنیِ «**إحسان**»،

مرتبه‌ای از «**لقاء الله**» است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در معنای «**إحسان**» فرمودند:

«**الإحسان أنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ**»

احسان یعنی: چنان خدا را بندگی کنی که انگار او را می بینی.

پس «**مُحْسِن**» مؤمن بصیر و «**با حالی**» است که

همواره خودش را در «**محضر خدا**» می بیند.

رحمتِ الہی، «**کنار**» کیست؟

قرآن می فرماید:

إِنْ رَحِمْتَ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(أعراف/۵۶)

همانا «رحمتِ خدا»، نزدیکِ «محسنین» است.

چرا؟

چون « معیتِ الهی » با آنهاست:

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل/۱۲۸)

همانا خداوند با آنانست که تقوا دارند و با آنان که اهل احسان اند.

پس هر « **کارِ** ظاهراً **خوبی** »،

مصدقِ « **إحسان** »، « **نیست** ».

« **إحسان** »، « **هر کاری** » (?) است که

با علمِ ⁵⁶ در « **محضرِ خدا** » بودن انجام می‌شود.

« محصول » إحصان چیست؟

آیة ۶۱:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦١)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را تکذیب می کنید؟*

» سومین کارِ مکزین « چیست؟

وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا

يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ

(بقره/۱۰۲)

اما آن شياطينی که « کفر » ورزیدند به مردم سحر می آموزند

« **سحر** » چیست؟

و چه **نفعی** برای **مکذبین** دارد؟



خدایا؛

ما را از « **محسنین** » قرار ده

و از هر « **انکار** و **تکذیبی** » حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیممان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

